



Interdisciplinary Legal Research

Jun 2022, 3(3): 13-30

Available online on: www.ilrjournal.ir

e-ISSN: 2717-1795

ORIGINAL RESEARCH PAPER

Scope of Sovereignty Rights of Coastal State in Continental Shelf Area

Nazafarin Nazemi^{*1}



Received:

14 Jul 2022

Revised:

11 Aug 2022

Accepted:

23 Aug 2022

Available Online:

23 Sep 2022

Abstract

Background and Aim: United Nations Convention on Law of the Seas 1982 is considered as a beginning of new era in international law of the seas. One of the most important issues in this document is about delimitation of maritime zones that amongst them delimitation of continental shelf and the rights of coastal state are given a great importance. This article has a glance to the sovereignty rights of coastal states and tries to answer the question that how obligations of these states is limiting the domain of their sovereignty rights.

Materials and Methods: It is descriptive study.

Ethical Considerations: All ethical considerations have been observed.

Findings & Conclusion: Article 76 of the Convention comprehensively includes the elements that constitute continental shelf, precise formula for delimitation, the process of delimitation and other related details. Even though in this document seabed and sub soil in the distance of 200 M from coastal baseline is inherent to the coastal country, however this country may extend its continental shelf beyond 200 M according to the requirements of the Convention. 1982 Convention recognizes sovereignty rights for coastal country in continental shelf which is related to seabed and subsoil however this country has some obligation toward other countries and international community as a whole.

Keywords:

Continental Shelf,
Sovereignty Rights,
Law of the Seas,
1982 Convention.

I* Assistant Professor, Department of International Law, Faculty of Humanity, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran. (Corresponding Author)

Email: Dr.N.Nazemi@gmail.com Phone: +987136410041

Please Cite This Article As: Nazemi, N (2022). "Scope of Sovereignty Rights of Coastal State in Continental Shelf Area". *Interdisciplinary Legal Research*, 3 (3): 13-30.



This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0)

قلمرو حقوق حاکمه دولت ساحلی در منطقه فلات قاره

نازآفرین ناظمی^۱*

۱. استادیار، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: Dr.N.Nazemi@gmail.com

دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۳ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۰ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۱ انتشار: ۱۴۰۱/۰۷/۰۱

چکیده

زمینه و هدف: کنوانسیون حقوق دریاهای سازمان ملل ۱۹۸۲ به‌عنوان شروع عصری جدید در زمینه حقوق بین‌الملل دریاهای تلقی می‌شود. یکی از مهم‌ترین اموری که در این سند به آن پرداخته شده مسأله تعیین مناطق مختلف دریایی است که در این میان فلات قاره، تحدید حدود آن و حقوق دولت ساحلی در این منطقه از اهمیت خاصی برخوردار است. این مقاله با نگاهی به حقوق حاکمه کشور ساحلی در فلات قاره (اعم از فلات قاره ۲۰۰ مایلی و فلات قاره ماوراء ۲۰۰ مایل) قلمرو این حقوق را مشخص می‌کند و در نهایت به این سؤال پاسخ دهد که چگونه وظایف کشور ساحلی در قبال کشورهای ثالث و جامعه جهانی می‌تواند قلمرو حقوق حاکمه این کشور را محدود کند.

مواد و روش‌ها: روش تحقیق در این مقاله به‌صورت توصیفی بوده است.

ملاحظات اخلاقی: تمامی اصول اخلاقی در نگارش این مقاله رعایت شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: ماده ۷۶ کنوانسیون به نحوی جامع عناصر تشکیل‌دهنده یک فلات قاره حقوقی، فرمول دقیق تحدید حدود فلات قاره و فرآیند انجام آن و سایر جزئیات لازم را دربرمی‌گیرد. اگرچه در این سند بستر و زیر بستر دریا در محدوده ۲۰۰ مایلی از خط مبدأ ساحلی تحت عنوان فلات قاره به‌صورت ذاتی متعلق به کشور ساحلی است، با این حال تحت شرایط مقرر در کنوانسیون کشور ساحلی می‌تواند ادعای خود را نسبت به فلات قاره به فراتر از این فاصله گسترش دهد. کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق حاکمه را برای کشور ساحلی در زمینه اکتشاف و بهره‌برداری از منابع طبیعی فلات قاره قائل شده است و این امر مربوط به بستر و زیر بستر دریا در محدوده مشخص شده است با این حال دولت ساحلی وظایفی نیز در قبال سایر کشورها و جامعه جهانی در رابطه با اعمال حقوق حاکمه خود در این منطقه دارد.

کلمات کلیدی: فلات قاره، حقوق حاکمه، حقوق دریاهای، کنوانسیون ۱۹۸۲.

مقدمه

۱- بیان موضوع: کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها سازمان ملل (از این پس کنوانسیون ۱۹۸۲) که از سال ۱۹۹۴ لازم‌الاجرا شد چارچوب حقوقی دقیقی را برای فعالیت‌هایی که در اقیانوس‌ها انجام می‌شوند مشخص کرده است. این سند ضمن تعیین حدود مناطق مختلف دریایی، حقوق و وظایف کشورها را در قبال یکدیگر و در برابر جامعه جهانی تعیین کرده است. با توجه به کاهش منابع طبیعی در دسترس در خشکی و به دلیل پیشرفت فناوری و فعالیت بسیاری از کشورها و رقابت ایشان در زمینه تحقیقات دریایی، اقیانوس‌ها به عنوان منبع عظیمی از ثروت می‌شوند و بسیاری از فعالیت‌های انسان مبتنی بر دریاست. این امر شامل استفاده‌های کلاسیک (مانند ماهیگیری، تجارت و توریسم) و انواع جدید (مانند انرژی‌های تجدید پذیر، منابع ژنتیکی دریایی و سنگ‌های کمیاب) می‌شود و برای پیشگیری از بهره‌برداری بی‌رویه و عادلانه بودن استفاده از این منابع کنوانسیون ۱۹۸۲ راهکارهایی را ارائه داده است.

۲- تبیین مفهوم

یکی از مناطق دریایی که در اجلاس‌های مرتبط با حقوق دریاها مورد توجه بود و در کنوانسیون ۱۹۸۲ نیز یک بخش به آن اختصاص داده شد منطقه فلات قاره است. فلات قاره درواقع بستر و زیر بستر دریا تا فاصله ۲۰۰ مایلی از خط مبدأ ساحلی است که البته این حدود می‌تواند با رعایت شرایطی که در بخش ششم کنوانسیون در نظر گرفته شده افزایش یابد و به عنوان فلات قاره ماوراء ۲۰۰ مایل در نظر گرفته شود که این امر به معنای افزایش حوزه حقوق حاکمه است که طبق این سند دولت ساحلی از آن به صورت ذاتی و انحصاری برخوردار است. ماده ۷۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق کشور ساحلی را در این منطقه مشخص کرده است. این کشورها می‌توانند حقوق حاکمیتی خود را بر فلات قاره به منظور

اکتشاف و بهره‌برداری از منابع طبیعی اعمال کنند. در اینجا منظور از منابع طبیعی، منابع معدنی و سایر منابع غیرزنده مانند نفت و گاز و همچنین ارگانیسم‌های زنده متصل به کف دریا هستند. نکته‌ای که در مورد فلات قاره اهمیت دارد ستون‌های آبی است که بر فراز منطقه فلات قاره قرار دارند. این ستون‌های آبی ممکن است متعلق به منطقه انحصاری اقتصادی کشور ساحلی هستند و این در صورتی که کشور ساحلی منطقه انحصاری اقتصادی را به عرض ۲۰۰ مایل ادعا کرده باشد. این امکان هم وجود دارد که این آب‌ها متعلق به دریای آزاد باشند و این در حالتی است که یا کشور ساحلی منطقه انحصاری اقتصادی نداشته باشد یا این منطقه کمتر از ۲۰۰ مایل باشد و یا اینکه فلات قاره کشور ساحلی فراتر از ۲۰۰ مایل در نظر گرفته شود. در هر حال آب‌هایی که بر فراز فلات قاره قرار دارند برای کشتی‌رانی و ماهیگیری از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و از طرف دیگر امکان قرار دادن کابل و لوله زیر دریا برای سایر کشورها در این منطقه وجود دارد. با توجه به این توضیحات امکان برخورد میان حقوقی که کشور ساحلی و سایر کشورها در این حوزه وجود دارد.

۳- روش تحقیق: در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. در بخش‌هایی که نیاز به ارائه تعاریف بوده از روش توصیفی استفاده شده و در بخش‌هایی که به بررسی و تفسیر مواد و قواعد حقوقی پرداخته شده روش تحلیلی به کار گرفته شده است.

بحث و نظر

۱- پیشینه حقوقی فلات قاره

توسعه مفاهیم حقوقی مرتبط با فلات قاره به سال ۱۹۶۶ برمی‌گردد، زمانی که کشورها نسبت به حقوق خود در رابطه با بستر و زیر بستر دریاها در مناطق ماوراء آب‌های سرزمینی هوشیارتر شدند. کشورها در همان زمان دریافتند که این حقوق نباید آزادی کشتی‌رانی را توسط سایر کشورها در

شد و این بدان معنا بود که حدود خارجی فلات قاره تحت صلاحیت دولت ساحلی در اثر پیشرفت فناوری بسیار مبهم می‌شد. (شاو، ۱۳۹۸: ۱۰۸) پس از سال‌ها تلاش برای تنظیم یک سند واحد برای استفاده از اقیانوس‌ها که برای تمام کشورها قابل قبول باشد کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ در ۱۰ دسامبر ۱۹۸۲ تصویب شد و از ۱۶ نوامبر ۱۹۹۴ لازم‌الاجرا گردید. این سند تحدید حدود فلات قاره و سایر قواعد مرتبط با آن را به‌طور خاص و در بخشی مجزا موردتوجه قرارداد.

۲- مفهوم حقوقی و تحدید حدود فلات قاره

از نظر جغرافی‌دانان فلات قاره به معنی قسمتی از حاشیه قاره است که بین خط ساحلی و شکست فلات یا دروازه جایی که هیچ سرایشی قابل توجهی بین خط ساحلی و نقطه‌ای که عمق آب‌های مافوق آن بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ متر وجود نداشته باشد که در این رابطه از عبارت "امتداد طبیعی" استفاده می‌شود که به معنی این است که حاشیه قاره باید به شکل مستمر و بدون شکستگی از خط ساحلی تا لبه خارجی ادامه یابد (Persand, 2005: 5). بنابراین در نظر اکثر جغرافی‌دانان فلات قاره به‌عنوان منطقه زیردریا که از ساحل به سمت دریا پیش می‌رود تا جایی که در بستر یک سقوط مشخص به سمت کف عمیق و صاف اقیانوس وجود دارد. منطقه با شیب تند میان فلات قاره و کف عمیق اقیانوس را شیب قاره می‌نامند (Madon, 2017: 148).

تعریف حقوقی فلات قاره اگرچه بر خصوصیات جغرافیایی مبتنی است اما در چارچوب حقوقی اعمال می‌شود. بند ۱ کنوانسیون حقوق دریاها مقرر می‌دارد که: فلات قاره یک دولت ساحلی متشکل از بستر و زیر بستر آب‌های ماورای دریای سرزمینی آن دولت است که در سراسر امتداد طبیعی قلمرو سرزمینی دولت مزبور تا لبه بیرون حاشیه قاره یا تا فاصله ۲۰۰ مایل دریایی از خط مبدأ اندازه‌گیری عرض دریایی در صورتی که لبه بیرونی حاشیه قاره تا این فاصله

آب‌های مافوق این منطقه محدود کند. با این حال تا اواخر دهه ۱۹۵۰ درک واضحی از فلات قاره در حقوق بین‌الملل وجود نداشت اما بحث‌هایی در رابطه با پتانسیل‌های فلات قاره و منابع طبیعی قابل بهره‌برداری آن مطرح می‌شد. در ۱۹۴۵ دو اعلامیه توسط ترومن رئیس‌جمهور آمریکا صادر شد که یکی از آن‌ها مربوط به منابع طبیعی بستر و زیر بستر فلات قاره بود. اعلامیه ترومن در رابطه با فلات قاره به‌عنوان نقطه شروع تلاش‌های بین‌المللی در جهت شناسایی فلات قاره حقوقی تلقی می‌شود و با آن فلات قاره علاوه بر تعریف جغرافیایی، تعریف حقوقی نیز پیدا کرد. بر اساس این اعلامیه دولت ایالات متحده با ابراز نگرانی در مورد لزوم حفاظت از منابع طبیعی خود در بستر و زیر بستر فلات قاره که زیردریای آزاد و در مجاورت ایالات متحده واقع شده اعلام کرد که اقدامات معقول و عادلانه را بر اساس ضرورت‌های تولید نفت دریایی و منابع معدنی دیگر در فلات قاره و فراتر از دریای سرزمین که در آن زمان سه مایل دریایی در نظر گرفته شده بود انجام می‌دهد و صلاحیت و کنترل خود را بر این منطقه اعلام می‌کند (Campos, 2012: 20).

در ۱۹۵۸ اولین کنفرانس حقوق دریاها کنوانسیون فلات قاره را تصویب کرد که به‌عنوان کنوانسیون ژنو نیز شناخته می‌شود و دربرگیرنده حقوق حاکمیتی برای بهره‌برداری از منابع طبیعی بستر و زیر بستر فلات قاره بود. تعریفی که این سند از فلات قاره ارائه داد مبتنی بر قابلیت بهره‌برداری آن و بر اساس وضعیت جغرافیایی آن بود. تعریف این سند عبارت بود از: بستر و زیر بستر مناطق زیرآبی مجاور ساحل ولی خارج از دریای سرزمینی تا عمق ۲۰۰ متر یا فراتر از این محدوده تا جایی که عمق آب‌های فوقانی بهره‌برداری از مناطق نامبرده را ممکن سازد. با این حال این تعریف منجر به مشکلاتی شد زیرا دیری نپایید که با پیشرفت فناوری امکان بهره‌برداری از منابع واقع در اعماقی فراتر از ۲۰۰ متر میسر

اساس بند ۱ ماده ۳ ضمیمه دوم کنوانسیون این کمیسیون دو کارکرد دارد: نخست بررسی اطلاعات و سایر داده‌های ارائه‌شده از جانب دولت‌های ساحلی و ارائه توصیه‌هایی بر طبق ماده ۷۶ و تفاهم‌نامه مصوب ۲۹ آگوست ۱۹۸۰ کنفرانس سوم دریاها و دوم ارائه توصیه‌های علمی و فنی در صورتی که دولت ساحلی مربوطه چنین درخواستی نموده باشد (تاناکا، ۱۴۰۰: ۲۵۱-۲۵۲). اطلاعات ارائه‌شده به کمیسیون باید شامل توجیهات علمی و فنی بر پایه مستندات جغرافیایی، ژئوفیزیکی و عمق نگاری باشد. کمیسیون بعد از بررسی ممکن است توصیه‌هایی را در زمینه تحدید حدود به کشور ساحلی ارائه کند و حدود تعیین‌شده توسط کشور ساحلی بر اساس این توصیه‌ها نهایی و الزام‌آور است. این فرآیند هم از نظر کشور ساحلی اهمیت دارد و هم از نظر مقامات مسؤول بستر بین‌المللی دریاها. تمامی مناطق دریایی عرض معین و تعریف‌شده‌ای از خط ساحلی کشورها دارند اما در مورد فلات قاره عرض منطقه بستگی به حاشیه قاره کشور ساحلی دارد. حاشیه قاره دربرگیرنده بستر دریا، زیر بستر و شیب و خیز قاره‌ای دارد ولی مشخصاً از کف اقیانوس و لبه اقیانوسی جدا می‌شود. این تعریف مبتنی بر جغرافیای طبیعی و ریخت نگاری است (Schoolmeester & Baker, 2011:9).

ماده ۷۶ درواقع تعریف و معیاری را ارائه می‌کند که کشور ساحلی تصمیم دارد حد خارجی فلات قاره خود را فراتر از ۲۰۰ مایل ترسیم کند باید در نظر بگیرد. این معیارها مبتنی بر عمق و شکل بستر دریا و ضخامت لایه‌های رسوبی زیر بستر است. درهرحال حداکثر عرضی که یک کشور ساحلی باوجود تمام شرایط لازم می‌تواند ادعا کند یا ۳۵۰ مایل از خط مبدأ ساحلی است و یا ۱۰۰ مایل بعد از عمق ۲۵۰۰ متری. این ماده در پاراگراف سوم مفاهیم جغرافیایی و حقوقی اساسی برای تعریف فلات قاره را ارائه می‌دهد که شامل

امتداد نداشته باشد توسعه می‌یابد. این تعریف بدان معنا است که ادامه فلات قاره باید بخشی از حاشیه قاره باشد؛ بنابراین فلات قاره حقوقی تا لبه خارجی فلات قاره و در صورتی که لبه خارجی به ۲۰۰ مایل نرسد، ۲۰۰ مایل در نظر گرفته می‌شود و در این حالت نیازی به ارائه اطلاعات جغرافیایی خاص نیست. درنتیجه در هر حالتی حداقل ۲۰۰ مایل فلات قاره از خط مبدأ ساحلی برای کشور به‌صورت ذاتی در نظر گرفته می‌شود. بااین‌حال امکان دارد که تحت شرایطی که موردبحث قرار خواهد گرفت فلات قاره کشور ساحلی به فراتر از ۲۰۰ مایل از خط مبدأ افزایش یابد.

زمانی که مذاکرات پیرامون کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ در حال انجام بود توجه خاصی به تعریف فلات قاره فراتر از ۲۰۰ مایل دریایی شد تا وضعیت صلاحیت کشورها ساحلی معین گردد؛ بنابراین ماده ۷۶ کنوانسیون ضمن تعریف فلات قاره حقوقی فرآیند تعیین حدود خارجی آن را نیز مشخص کرد. تعیین این حدود حق کشور ساحلی را برای بهره‌برداری از منابع موجود در بستر و زیر بستر دریا تضمین کرد. البته ماده ۷۶ بر موقعیت حقوقی ستون‌ها آبی و یا حریم هوایی بالای فلات قاره اثرگذار نیست (Schoolmeester & Baker, 2011:8).

همان‌گونه که اشاره شد فلات قاره تا محدوده ۲۰۰ مایلی از خط مبدأ حق ذاتی کشور ساحلی است؛ اما کشورها برای تعیین فلات قاره خود ماورای ۲۰۰ مایل باید اطلاعات علمی و فنی را در مورد حدود خارجی به گروه حدود فلات قاره^۱ ارائه کنند. نقش اصلی کمیسیون تضمین این امر است که فلات قاره یک دولت ساحلی نباید از محدوده مقرر در بند ۵ و ۶ ماده ۷۶ کنوانسیون فراتر رود و از تجاوز به منابع منطقه که میراث مشترک بشریت هستند جلوگیری به عمل آورد. بر

^۱ - Commission on the Limits of the Continental Shelf (CLCS)

فلات قاره، شیب قاره و خیز قاره‌ای می‌شود. حدود خارجی فلات قاره در پاراگراف ۴ و ۵ مشخص شده‌اند. در بند ۴ دو فرمول ارائه شده است. طبق بند ۷ ماده ۷۶ کنوانسیون حقوق دریاها، برای ترسیم خطوط حد خارجی فلات قاره بیرونی روش ویژه‌ای مقرر شده است که اجمالاً بدین گونه است: در محل لبه بیرونی حاشیه قاره نقاط ثابتی بر اساس مختصات جغرافیایی تعریف می‌شود و این نقاط توسط خطوطی مستقیم، که نباید بیش از ۶۰ مایل دریایی طول داشته باشند، به هم وصل می‌شوند نقاط ثابت باید طبق یکی از دو فرمول زیر تعیین شوند:

به موجب قسمت ۱ از جزء الف بند ۴ ماده ۷۶ آمده است: خطی که طبق بند ۷ و با توجه به دورترین نقاط ثابتی ترسیم می‌شود که در هر یک از آن‌ها ضخامت سنگ‌های رسوبی حداقل با یک درصد کوتاه‌ترین فاصله بین این نقاط تا پایه شیب قاره برابر باشد. پس، طبق فرمول اول، هر یک از نقاط ثابتی که حد خارجی فلات قاره بر اساس آن‌ها ترسیم می‌شود باید در نقطه‌ای باشد که در آن ضخامت مواد رسوبی حداقل ۱ درصد کوتاه‌ترین فاصله بین این نقطه تا پایه شیب قاره باشد. این فرمول به نام پیشنهاددهنده آن، **پیرز گاردنر**، نامیده می‌شود. خطی که برای ترسیم حد خارجی فلات قاره طبق این فرمول گاردنر^۱ خوانده می‌شود. این فرمول سبب می‌شود که حد خارجی فلات قاره بیرونی از حاشیه قاره خارج نشود. به موجب قسمت ۲ جزء الف بند ۴ ماده ۷۶: خطی که طبق بند ۷ و با توجه به نقاط ثابتی ترسیم می‌شود که فاصله آن‌ها از پایه شیب قاره از ۶۰ مایل دریایی تجاوز ننماید. پس طبق فرمول دوم، کافی است نقاط ثابتی که برای ترسیم خطوط حد خارجی فلات قاره در نظر گرفته می‌شوند کمتر از ۶۰ مایل دریایی با پایه شیب قاره فاصله داشته باشد. این فرمول نیز به نام پیشنهاددهنده آن،

پرفسور هولیس داو هدبرگ، فرمول هدبرگ^۲ نامیده می‌شود. خطی که برای ترسیم حد خارجی فلات قاره، طبق این فرمول ترسیم می‌شود، خطوطی که بر اساس یکی از دو فرمول فوق ترسیم می‌شود اصطلاحاً خط فرمول نامیده می‌شود. حد خارجی فلات قاره بیرون از محدوده ۲۰۰ میل دریایی، با تشخیص و ترکیب دو نوع خط فرمول، یعنی خط گاردنر و خط هدبرگ، انجام می‌پذیرد. خط گاردنر از وصل شدن دورترین نقاط ثابتی به وجود می‌آید که در هر یک از این نقاط ضخامت تخت سنگ‌های رسوبی حداقل ۱ درصد کوتاه‌ترین فاصله بین این نقاط تا پایه شیب قاره باشد. خط هدبرگ خطی است که نقاط ثابتی را به هم می‌پیوندد که از پایه شیب قاره حداکثر ۶۰ مایل دریایی فاصله دارند. ترکیب بیرونی‌ترین قسمت‌های دو خط فرمول حد خارجی فلات قاره را تشکیل می‌دهد. (صیرفی، ۱۳۹۴: ۱۳۳-۱۳۴) نهایتاً در پاراگراف ۵ آمده است که نقاط ثابتی که حدود خارجی را مشخص می‌کنند نباید فراتر از ۳۵۰ مایل دریایی از خط مبدأ ساحلی یا ۱۰۰ مایل بعد از عمق ۲۵۰۰ متر باشد.

با توجه به مسائل فنی پیرامون تعیین عرض فلات قاره طبق ماده ۷۶ کنوانسیون، کمیسیون تعیین حدود فلات قاره در راهنمای علمی و فنی^۳ که در سال ۱۹۹۹ منتشر شد مفاهیم موجود در این ماده را برای عملی آن بیان می‌کند. علاوه بر این شعبه امور اقیانوس‌ها و حقوق دریاها یک راهنمای آموزشی را برای مساعدت کشورهای ساحلی در آماده‌سازی درخواست‌هایشان منتشر کرده است

۳- ماهیت و تفاوت حقوق دولت ساحلی در فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی

^۲ - Hedberg formula

^۳ - Scientific and Technical Guidelines

^۱ - Gardner formula

حقوقی فلات قاره حاکم است و آبهای مافوق آن شامل قواعد دریای آزاد خواهد بود.

فلات قاره، درواقع، بستر و زیر بستر منطقه انحصاری - اقتصادی است؛ به تعبیری بستر و زیر بستر منطقه انحصاری - اقتصادی فقط اسماً بخشی از این منطقه دریایی است اما به لحاظ حقوقی و عملی، فلات قاره به شمار می‌رود زیرا ماده ۵۶ کنوانسیون حقوق دریاها، پس‌ازاینکه حقوق دولت ساحلی در منطقه انحصاری - اقتصادی را دربندهای اول و دوم این ماده تبیین می‌کند، در بند ۳ مقرر می‌دارد: «حقوق مذکور در این ماده در مورد بستر و زیر بستر دریا مطابق مقررات بخش ششم اعمال می‌شود.» به بیان دیگر، رژیم حقوقی فلات قاره، که در بخش ششم کنوانسیون تدوین شده در مورد بستر و زیربستر منطقه انحصاری - اقتصادی اعمال می‌شود (صیرفی، ۱۳۹۴: ۱۳۱). در کنوانسیون ۱۹۸۲ قواعد مرتبط با فلات قاره به‌طور متقابل به قواعد مربوط به منطقه انحصاری اقتصادی اشاره دارد و این قواعد باید با رعایت یکدیگر اجرا شوند و این دو باهم وظایف و حقوق کشورها را در ۲۰۰ مایلی خط مبدأ در رابطه با منابع غیرزنده به اجرا می‌گذارند. طبق حقوق بین‌الملل عرفی کشورها از حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی در مناطقی که حاکمیت یا حقوق حاکمه دارند برخوردار هستند مگر اینکه این حقوق توسط قواعد حقوق بین‌الملل محدود شده باشند (Azaria, 2016: 2). شرایط در رابطه با اکتشاف و بهره‌برداری در فلات قاره فراتر از ۲۰۰ مایل با فلات قاره ۲۰۰ مایل متفاوت است. این امر بدان دلیل است که مافوق فلات قاره ۲۰۰ مایلی ستون‌های آبی قرار دارد که متعلق به منطقه انحصاری اقتصادی دولت ساحلی هستند درحالی‌که آبهای مافوق فلات قاره فراتر از ۲۰۰ مایلی متعلق به دریای آزاد هستند؛ بنابراین در فلات قاره ماورا ۲۰۰ مایلی رژیم حقوقی برای اکتشاف و بهره‌برداری کشورهای ثالث دارای حقوق هستند که باید در

فلات قاره اصولاً فرصت‌های زیادی را برای به دست آوردن منابع ایجاد می‌کند و حاشیه قاره منابع زنده غیر متحرک و غیرزنده را دارا است. اگرچه هر دو ارزشمند تلقی می‌شوند اما این منابع غیرزنده هستند که محرکی برای دولت‌ها جهت ادعای فلات قاره فراتر از ۲۰۰ مایل را مطرح کنند و از منابع غنی این منطقه بهره‌مند شوند. اگرچه بسیاری کشورها ممکن است از برداشت گونه‌های غیر متحرک درآمد بیشتری داشته باشند اما در مفهوم جهانی ارزش نفت، گاز و مواد معدنی بسیار بیشتر از ارزش گونه‌های غیر متحرک است (Cook & Carleton, 2000: 75).

کنوانسیون در بخش‌های ۵ و ۶ کنوانسیون به دو منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره می‌پردازد. منطقه انحصاری اقتصادی می‌تواند از خط مبدأ تا ۲۰۰ مایل امتداد یابد و آب‌های فوق منطقه فلات قاره را دربرمی‌گیرد اما این منطقه برخلاف منطقه فلات قاره به‌طور ذاتی متعلق به کشور ساحلی نیست و باید توسط کشور ساحلی موردادعا قرار گیرد. حال ممکن است با توجه به موضع دولت ساحلی سه حالت میان منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره به وجود آید:

حالت اول؛ زمانی است که کشور ساحلی منطقه انحصاری اقتصادی دارد و فلات قاره آن کشور نیز تا ۲۰۰ مایل تعیین شده است که در این حالت رژیم حقوقی هر دو منطقه طبق کنوانسیون اعمال می‌شود.

حالت دوم؛ زمانی است که کشور ساحلی ادعایی نسبت به منطقه انحصاری اقتصادی ندارد و تنها رژیم فلات قاره حاکم است.

حالت سوم؛ زمانی که کشور ساحلی منطقه انحصاری اقتصادی دارد و فلات قاره این کشور بیش از ۲۰۰ مایل است. در این حالت در بخش ماورا ۲۰۰ مایل صرفاً رژیم

زمان بهره‌برداری از فلات قاره توسط کشور ساحلی موردتوجه قرار گیرد. بهره‌برداری از این مناطق طبیعتاً بر بستر و زیر بستر و بر ستون‌های آبی بالای آن تأثیرگذار است و ممکن است برخی از آزادی‌های مربوط به این منطقه را برای سایر کشورها مختل کند (Grignon, 2013: 26).

طبق ماده ۷۷ کنوانسیون حقوق کشور ساحلی نسبت به فلات قاره «ذاتی» و «انحصاری» است. ذاتی بودن حقوق کشور ساحلی بدین معنا است که حقوق کشور ساحلی در محدوده ۲۰۰ مایلی خط مبدأ در رابطه با بستر و زیر بستر نیاز به اعلام یا ادعا ندارد اگرچه این حاکمیت کامل نیست و صرفاً به منظور اکتشاف و بهره‌برداری از منابع طبیعی این منطقه است. معنای انحصاری بودن این حقوق این است که هیچ‌کس نمی‌تواند بدون رضایت کشور ساحلی فعالیت‌های مشابه را در منطقه انجام دهد. این در حالی است که حقوق کشور ساحلی در منطقه انحصاری اقتصادی اعلامی است و در صورتی که کشور ساحلی ادعایی را نسبت به این منطقه نداشته باشد، این منطقه برای آن کشور وجود نخواهد داشت.

۴- حقوق حاکمه دولت ساحلی نسبت به فلات قاره

در مناطق مختلف دریایی به تناسب دوری و یا نزدیکی این مناطق به خط مبدأ، حقوق متفاوتی برای کشورهای ساحلی در نظر گرفته شده است. در اینجا لازم است اشاره‌ای داشته باشیم به دو مفهوم «حاکمیت» و «حقوق حاکمه». حاکمیت در اینجا به معنای حق انحصاری یک کشور برای کنترل و حکومت کردن بر یک منطقه جغرافیایی معین است، بدون هرگونه دخالت خارجی سایرین که شامل کشورهای خارجی نیز می‌شود. در مورد حقوق دریاها حاکمیت یک کشور به معنای قدرت حقوقی انحصاری بر تمام آب‌های داخلی و دریای سرزمینی و همچنین بر تمام تابعان که دربرگیرنده کشتی‌هایی است که در دریاهای آزاد کشتی‌رانی می‌کنند و تبعه این کشور به حساب می‌آیند؛ اما حقوق حاکمه برعکس

محدود به کنترل فعالیت‌های خاص در مناطق معین است. بر اساس کنوانسیون حقوق دریاها کشورهای ساحلی در مناطق ماورای دریای سرزمینی از حقوق حاکمه برخوردار هستند. این کشورها به‌طور خاص بر منابع طبیعی در فلات قاره و آب‌های منطقه انحصاری اقتصادی کنترل انحصاری دارند. حقوق حاکمیتی در منطقه انحصاری اقتصادی طبق ماده ۵۶ کنوانسیون مربوط به اکتشاف و بهره‌برداری از منابع طبیعی در فلات قاره یا اکتشاف، بهره‌برداری و حفظ و مدیریت منابع زنده و غیرزنده و فعالیت‌های دیگر برای بهره‌برداری اقتصادی از منطقه و تولید انرژی از آب، جریان‌ها و بادهای است. البته زمانی که فلات قاره یک کشور از حدود خارجی منطقه انحصاری اقتصادی (۲۰۰ مایل دریایی) فراتر رود و اصطلاحاً فلات قاره امتدادیافته داشته باشد کنوانسیون به کشور ساحلی اجازه می‌دهد که حقوق حاکمه خود را در مورد اکتشاف و بهره‌برداری از منابع طبیعی‌اش روی بستر یا زیر بستر دریا را در این منطقه نیز انجام دهد، البته باید پرداخت‌های لازم را به مقام بین‌المللی دریاها داشته باشد (در بخش بعدی در رابطه با نحوه انجام این پرداخت‌ها توضیح داده می‌شود). حقوق حاکمه‌ای که برای کشور ساحلی در منطقه فلات قاره متصور است عبارت‌اند از:

۴-۱- بهره‌برداری از منابع غیرزنده و منابع زنده از گونه غیر متحرک‌ها

اصل اساسی در رابطه با حقوق حاکمه دولت ساحلی در مورد منابع غیرزنده در فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی این است که این کشور است که تصمیم می‌گیرد که اساساً منابع غیرزنده مورد بهره‌برداری قرار بگیرند یا خیر و اگر قرار است چنین شود چه کسی و چگونه اجازه چنین کاری را خواهد داشت. ماده ۸۲ کنوانسیون محدودیت‌هایی را برای بهره‌برداری از منابع خاص در فلات قاره فراتر از ۲۰۰ مایل قائل شده است. ماده ۷۷ کنوانسیون در رابطه با این منابع در

فلات قاره حقوق حاکمیتی را در زمینه اکتشاف و بهره‌برداری از منابع طبیعی به کشورهای ساحلی اعطا کرده است. پاراگراف ۴ انواع این منابع را برشمرده است: «منابع طبیعی که در این بخش به آن اشاره شده شامل منابع معدنی و غیر زیستی بستر و زیربستر دریا به همراه ارگانسیم‌های زنده‌ای که از انواع بی‌حرکت هستند، منظور ارگانسیم‌هایی است که در مرحله بهره‌برداری یا بی‌حرکت هستند و یا زیر بستر هستند و یا قادر به حرکت به‌جز در صورت اتصال مداوم به بستر یا زیربستر نیستند.» نفت و گاز از جمله نمونه‌های منابع طبیعی غیرزنده و گونه‌های غیر متحرک شامل مواردی همچون صدف‌ها، مرجان‌ها و اسفنج‌ها هستند.

۴-۲- حفاری، ایجاد جزایر مصنوعی، تأسیسات و سازه‌های مرتبط

رژیم نوین تحقیقات علمی دریایی که توسط کنوانسیون ۱۹۸۲ ارائه شد به‌طور کامل متفاوت از رژیم پیش از خود است. زیرا گذشته از گسترش وسیع مناطق دریایی تحت حاکمیت دولت ساحلی، از طریق گسترش دریای سرزمینی تا ۱۲ مایل دریایی و معرفی و تبیین آب‌های مجمع‌الجزایری، معرفی منطقه انحصاری اقتصادی به عرض ۲۰۰ مایل دریایی و تعریف مبسوط فلات قاره منجر به افزایش چشمگیر مناطق دریایی شد که انجام تحقیقات علمی دریایی را مشروط به رضایت دولت ساحلی می‌نمود و در نتیجه به کاهش منطقه دریای آزاد انجامید که در آن تحقیقات علمی دریایی آزادانه همچنان قابلیت اجرا داشت. رژیم نوین مندرج در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها موجب یک تراضی و پده بستان میان مدافعان آزادی حداکثری تحقیقات علمی دریایی و طرفداران کنترل حداکثری دولت ساحلی بر تحقیقات علمی دریایی است. تحقیقات علمی دریایی امروزه خود را در جایگاه حساسی می‌بیند: از یک‌سو، تقاضای روزافزونی برای آگاهی علمی وجود دارد، که به‌طور گسترده به‌مثابه پیش‌نیازی برای تصمیمات صحیح و از سوی دیگر، امکان کاربردهای

مدیریتی قلمداد می‌شود؛ چندانکه از نتایج حاصل از تحقیقات علمی دریایی و وجود روزه‌هایی برای سوء استفاده از این مقوله موجب شده است که دولت‌ها نسبت به آن حساب‌شده و با دقت و احتیاط بیشتری عمل کنند. بخش سیزدهم کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲، در ایجاد یک سامانه متوازن حقوق و تکالیف برای هر دو دولت ساحلی و تحقیق‌کننده، اقدام به ترکیب هم‌زمان منافع امنیتی و تمامیتی دولت‌های ساحلی، با نیاز دولت‌های تحقیق‌کننده برای دسترسی به تمامی بخش‌های دریا نموده است. کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها با این هدف ایجادشده است که دربرگیرنده قواعد معتبر و قابل‌اجرا در فرایندی باشد که اهدافش از یک‌سو، تحقیقات برای پیشبرد دانش بشری است و از سوی دیگر حفظ امنیت، تمامیت و صلاحیت و نیز منابع ملی و منافع اقتصادی. (مدنی، ۱۳۹۲: ۷۱)

طبق کنوانسیون ۱۹۸۲ تنها کشور ساحلی می‌تواند اجازه اکتشاف و بهره‌برداری و حفاری به‌عنوان یکی از روش‌های بهره‌برداری در فلات قاره را «برای هر منظوری» بدهد و بر امور مرتبط با آن نظارت کند؛ بنابراین نه صرفاً برای استخراج منابع طبیعی بلکه برای تمامی اهداف مانند انجام تحقیقات علمی توسط کشورهای دیگر و یا سازمان‌های بین‌المللی صالح رضایت کشور ساحلی باید حاصل شود. برای این اهداف ممکن است از جزایر مصنوعی، تأسیسات و سازه‌ها استفاده شود که مواد ۸۰ و ۸۱ قواعد مرتبط با این مسأله را مطرح می‌کنند و مقرر می‌دارند که کشور ساحلی حق ایجاد سکوه‌های حفاری و سایر تأسیسات مرتبط برای اکتشاف و بهره‌برداری از منابع مجاز توسط کنوانسیون را دارد و بر اساس ماده ۶۰ می‌تواند اطراف این تأسیسات منطقه امن به شعاع ۵۰۰ متری ایجاد کند و حق کنترل و اعمال صلاحیت در این منطقه را با انجام اقدامات لازم در جهت حفاظت از این مناطق را دارا است. کشور ساحلی مجوز استفاده از این

قاره صرفاً با اجازه کشور ساحلی ممکن است و این امر از حقوق حاکمه کشور ساحلی در فلات قاره سرچشمه می‌گیرد (Azaria, 2016:4).

۴-۴- عدم محدودیت در نوع و میزان استخراج

در حقوق بین‌الملل و حقوق دریاها قاعده‌ای در رابطه با اینکه کشورها چگونه اکتشاف و استخراج را در مناطق تحت صلاحیت خود انجام دهند وجود ندارد و متأسفانه مقررات الزام‌آوری نیز در مورد حفاظت از منابع غیرزنده در فلات قاره و مناطق انحصاری اقتصادی وجود ندارد. ماده ۶۱ کنوانسیون از کشورهای ساحلی می‌خواهد که از بهره‌برداری بی‌رویه از منابع زنده در منطقه انحصاری اقتصادی خودداری کنند و در مناطق خارج از حوزه صلاحیتشان نیز موظف هستند که حفاظت از منابع زنده را در نظر داشته باشند. ماده ۱۴۵ نیز تنها به حفاظت از منابع طبیعی در مناطق خارج از صلاحیت دولت‌ها توسط مقام بین‌المللی دریاها اشاره دارد. باوجوداین هیچ قاعده‌ای در رابطه با حفاظت منابع غیرزنده در مناطق تحت صلاحیت دولت‌ها وجود ندارد.

باین‌حال قواعد مرتبط با توسعه پایدار می‌تواند در این مورد مرتبط باشند. گزارش برانتلند^۲ در سال ۱۹۸۷ تعریف شناخته‌شده امروزی از توسعه پایدار را ارائه داد. این تعریف عبارت بود از نوعی از توسعه که نیازهای نسل حاضر را بی‌آنکه به توانایی نسل آینده برای برآورده کردن نیازهای خود تضعیف کند برآورده سازد. این تعریف دو مفهوم کلیدی را در بردارد: نخست مفهوم نیاز، به‌خصوص نیازهای اساسی فقرای جهان که باید در اولویت قرار گیرد و دوم مفهوم محدودیت‌ها که با توجه به وضعیت فناوری و ساختار اجتماعی در مورد امکانات محیط‌زیست برای برآورده ساختن نیازهای کنونی و آینده اعمال می‌شود. باین‌حال تاکنون

جزایر و تأسیسات را صادر می‌کند و بر آن‌ها نظارت دارد که این امر ناشی از همان حقوق حاکمه کشور در منطقه است. این کشور موظف است سایر کشورها را از وجود آن‌ها مطلع سازد که این وظیفه تعادل میان حقوق حاکمه کشور ساحلی و حقوق سایر کشورها را نشان می‌دهد.

۴-۳- دسترسی انحصاری به اطلاعات محرمانه

اطلاعات مرتبط با فلات قاره که دربرگیرنده وجود، ماهیت، وسعت و محل منابع و امکان اقتصادی استخراج منابع برای کشورهای ساحلی اهمیت دارد. در این رابطه اشاره به پرونده میان ساحل‌عاج و غنا^۱ می‌تواند مسأله را روشن کند. در سال ۲۰۱۴ این دو کشور یک توافق ویژه را برای ارائه به شعبه خاص دیوان بین‌المللی دریاها در رابطه با مرزهای دریایی در اقیانوس اطلس تهیه کردند. در زمان رسیدگی غنا قراردادهای نفتی متعددی را با شرکت‌های مختلف منعقد کرده بود و قصد داشت قراردادهای جدیدی نیز منعقد کند. ساحل‌عاج درخواست دستور اقدامات موقت داد که غنا را ملزم می‌کرد از ارائه اطلاعات که می‌توانست برای ساحل‌عاج مضر باشد خودداری کند و استدلال چنین بود که حقوق مرتبط با اکتشاف و بهره‌برداری شامل ارائه اطلاعات محرمانه نیز می‌شود. غنا درخواست رد این اقدامات را داد و بر وجود حق انحصاری برای دسترسی به اطلاعات خود طبق کنوانسیون پافشاری کرد. دیوان مقرر داشت که طبق اسناد ارائه‌شده توسط ساحل‌عاج حقوقی که ساحل‌عاج تلاش بر حفاظت از آن‌ها دارد محتمل است و به دست آوردن و ارائه اطلاعات می‌تواند خطرات غیرقابل جبرانی را به این حقوق وارد کند و نهایتاً غنا را ملزم کرد که اقدامات لازم برای جلوگیری از نشر اطلاعاتی که می‌تواند برای ساحل‌عاج صدمه زننده باشد خودداری کند؛ بنابراین ارائه اطلاعات محرمانه درباره فلات

^۱ - Dispute Concerning Delimitation of Maritime Boundary between Ghana and cote d'ivoire in Atlantic Ocean, Order of Provisional Measures, 25 April 2015.

^۲ - Bruntland Report

قاعده‌ای الزام‌آور در این رابطه مقرر نشده و حقوق بین‌الملل عرفی نیز در این رابطه قاعده‌ای ندارد که کشورها را ملزم به حفاظت از منابع غیرزنده مثل هیدروکربن‌ها در مناطق تحت صلاحیت خود کند.

۵- محدودیت‌های حقوق حاکمه دولت ساحلی در فلات قاره

کنوانسیون ۱۹۸۲ دریا را به بخش‌های متعددی تقسیم می‌کند که کشور ساحلی ممکن است نسبت به آن‌ها ادعاهایی را مطرح کند. هر بخش حقوقی را به کشور ساحلی اعطا می‌کند و تکالیفی را بر عهده کشورها و کشتی‌های خارجی می‌گذارد. طبق کنوانسیون ۱۹۸۲ هر کشور و کشتی از شش آزادی در دریای آزاد برخوردار است که عبارت‌اند از آزادی دریانوردی، آزادی پرواز، قرار دادن کابل‌ها و لوله‌ها، آزادی تحقیقات علمی دریایی، ساخت جزایر مصنوعی و تأسیسات و ماهیگیری. قاعده کلی این است که هرچه به ساحل نزدیک‌تر باشیم میزان حقوق کشور ساحلی بیشتر است و که طبیعتاً موجب محدود شدن این شش آزادی متعلق به کشورها و کشتی‌های خارجی می‌شود (Kastrisios, 2017:2). همان‌طور که پیش‌ازاین اشاره شد حقوقی که در منطقه فلات قاره برای کشور ساحلی در نظر گرفته می‌شود ذاتی و انحصاری است؛ اما این حقوق حاکمه ممکن است در برخی موارد به واسطه برخورد با حقوق سایر کشورها و یا جامعه جهانی در کل محدود شود.

۵-۱- حقوق حاکمه و تعارض با سایر حقوق در منطقه

آب‌های فوقانی منطقه فلات قاره را یا ستون‌های آبی منطقه انحصاری اقتصادی تشکیل می‌دهند یا دریای آزاد. اگر آب‌های آزاد باشند که انواع آزادی‌ها برای کشورهای ثالث وجود دارد و کشور ساحلی ادعایی نسبت به ستون‌های آبی ندارد اما اگر منطقه انحصاری اقتصادی باشند کشورهای ثالث صرفاً اجازه کشتی‌رانی و قرار دادن لوله‌ها و کابل‌ها را دارند. در مورد سرمایه‌گذاران خصوصی اگرچه کنوانسیون حقوق

دریاها حمایتی نسبت به آن‌ها ندارد اما معاهدات دو یا چندجانبه از آن‌ها حمایت می‌کند. به‌طور مثال معاهده منشور انرژی شرایط سرمایه‌گذاری در قراردادهای مربوط به استخراج هیدروکربن‌ها و استفاده از منابع تجدیدپذیر دارد که در فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی قابل اجرا است؛ بنابراین معاهدات این‌چنینی حقوق حاکمه دولت ساحلی را با الزام به حفاظت از حقوق سرمایه‌گذاران محدود می‌کند (Azaria, 2016:12).

انجام تحقیقات علمی در این منطقه آزاد است و تابع ماده ۱۴۶ پاراگراف ۲ کنوانسیون ۱۹۸۲ خواهد بود. آزادی کابل‌گذاری و لوله‌گذاری در این منطقه حاکم است. طبق ماده ۷۹ کشور ساحلی می‌تواند در فلات قاره کابل‌گذاری و لوله‌گذاری انجام دهد و در ضمن نباید مانع انجام کابل‌گذاری و لوله‌گذاری و تعمیرات و نگهداری مربوط به آن‌ها توسط سایر کشورها شود. باین‌حال طبق بند ۳ ماده ۷۹ تعیین مسیر لوله‌ها باید با رضایت دولت ساحلی باشد مطابق بند ۴ این ماده دولت ساحلی می‌تواند شرایطی را برای حفاظت از حقوق خود برای تعبیه لوله‌ها و کابل‌ها مشخص کند؛ و رضایت کشوری که حقوق حاکمیتی بر فلات قاره دارد باید برای فرآیند لوله‌گذاری جدید اخذ گردد. دولت ساحلی در رابطه با کابل‌گذاری و لوله‌گذاری سایر کشورها موظف است که اقدامات معقول را برای استخراج و بهره‌برداری منابع طبیعی و برای جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی از لوله‌ها انجام دهد. پروژه لوله‌گذاری زیردریایی نورد استریم^۱ نمونه عینی از تحقق این جنبه از حقوق و آزادی دولت‌ها در دریا است. اهمیت لوله‌گذاری زیردریایی برای انتقال نفت و گاز در عرصه بین‌المللی و چالش‌های پیش روی آن، نخستین بار در پروژه لوله‌گذاری نورد استریم میان دولت‌های روسیه و آلمان ظاهر شده است. لوله‌گذاری زیردریایی انتقال نفت و گاز دولت

^۱ - Nord Stream

روسیه در این پروژه برای رساندن آن به دولت آلمان، مستلزم عبور از قلمرو دریای سرزمینی دولت‌های روسیه، آلمان و دانمارک و عبور از منطقه انحصاری اقتصادی فنلاند و سوئد در دریای بالتیک است. (صالحی، ۱۳۹۹: ۱۶۱)

در مورد فلات قاره ۲۰۰ مایلی قبلاً اشاره شد که کشور ساحلی چه وظایفی مرتبط با تأسیسات و جزایر مصنوعی و منطقه امن دارد. باید توجه داشت که بستر دریا در منطقه فلات قاره فراتر از ۲۰۰ مایل درواقع بستر دریای آزاد است لذا تمام پتانسیل‌های ستون‌های آبی طبق قواعد دریای آزاد قابل استفاده توسط کشورهای ثالث خواهد بود. نکته قابل ذکر دیگر در اینجا آن است که زمانی که ادعای فلات قاره فراتر از ۲۰۰ مایل طبق شرایط کنوانسیون موردپذیرش واقع شد، رژیم حقوقی حاکم بر آن همانند فلات قاره ۲۰۰ مایلی خواهد بود اما با دو تفاوت عمده: اول اینکه کشور ساحلی باید طبق ماده ۸۲ پرداخت‌های لازم را انجام دهد و دوم؛ کشور ساحلی طبق ماده ۲۴۶ پاراگراف ۶ تنها مرجع صالح برای دادن رضایت جهت انجام تحقیقات دریایی دارای اهمیت مستقیم برای بهره‌برداری و اکتشاف منابع دریایی نیست (Treves, 2015:15). بدین معنا که بر اساس این ماده در رابطه با تحقیقات علمی دریایی مبتنی بر مقررات کنوانسیون در ماورای ۲۰۰ مایلی و در محل‌هایی که عملیات بهره‌برداری یا اکتشافی در حال انجام است یا قرار است در آینده نزدیک انجام گیرد، دولت ساحلی حق اعمال صلاحیت و ممانعت نخواهد داشت.

درهرحال چون بالای فلات قاره ماورای ۲۰۰ مایل، دریای آزاد قرار دارد (این امر در مورد آب‌های بالای فلات قاره در محدوده ۲۰۰ مایلی زمانی که کشور ساحلی، منطقه انحصاری اقتصادی ندارد یا این منطقه را کمتر از ۲۰۰ مایل در نظر گرفته نیز صادق است) در آب‌های این منطقه آزادی‌های وجود دارد که استفاده کشور ساحلی از فلات قاره در این

مناطق باید با در نظر گرفتن این آزادی‌ها باشد. ازجمله این آزادی‌ها می‌توان به آزادی کشتی‌رانی، آزادی پرواز، کابل و لوله‌گذاری، احداث جزایر مصنوعی و تأسیسات مرتبط (با رعایت بخش ششم کنوانسیون)، آزادی ماهیگیری و انجام تحقیقات علمی دریایی اشاره کرد. در مورد فلات قاره فراتر از ۲۰۰ مایل اشاره به پرونده داوری آرکتیک سانرایز^۱ می‌تواند کمک‌کننده باشد.

کشتی بین‌المللی صلح سبز با نام تجاری آرکتیک سانرایز^۲ تحت تابعیت دولت هلند به نشانه مخالفت با استخراج نفت در اقیانوس شمالی در نزدیکی سکوی نفتی پیرازلومنایا^۳ پهلوی می‌گیرد. در واکنش، گشت ساحلی دولت روسیه ضرورت رعایت ماده ۱۰ کنوانسیون در مناطق دریایی تحت صلاحیت دولت ساحلی را در اولین ارتباط رادیویی با کاپیتان کشتی آرکتیک سانرایز یادآور می‌شود. یک روز بعد کشتی مذکور با حفظ فاصله سه مایل دریایی در اطراف سکوی نفتی به دور زدن می‌پردازد. گشت ساحلی مداخله نمی‌کند تا جایی که ۲ قایق بادی از این کشتی به آب انداخته و بلافاصله وارد منطقه امن می‌شوند. گشت ساحلی موضوع را به گارد ساحلی گزارش می‌دهد. دو فعال زیست‌محیطی تلاش می‌کنند فعالیت تأسیسات استخراج نفت را با مداخله فیزیکی متوقف کنند (صالحی، ۱۳۹۹: ۱۶۱۴) گارد ساحلی بلافاصله با اخذ مجوز از دادگاه بندر کلیه فعالان زیست‌محیطی را بازداشت و کشتی آن‌ها را توقیف کرد. دادگاه ساحلی اتهام فعالان زیست‌محیطی را دزدی دریایی اعلام نموده و قرار بازداشت آن‌ها را برای دو ماه صادر می‌کند. دولت هلند معتقد است که مقررات کنوانسیون حقوق دریاها مانع از ورود مقامات دولت ساحلی به کشتی تحت صلاحیت وی در آب‌های آزاد و

^۱ - Arctic Sunrise Arbitration (Kingdom of the Netherlands v. Russian Federation) Award on the Merits, 14 August 2015.

^۲ - Arctic Sunrise

^۳ - Prirazlomnaya

منطقه انحصاری اقتصادی است. لیکن دولت روسیه اقدامات خویش علیه کشتی آرکتیک سانرایز را توجیه حقوقی کرده است. دولت روسیه عمل فعالان زیست‌محیطی را مستند به ماده ۱۰۱ کنوانسیون دزدی دریایی تشخیص داده و برای ورود به کشتی تحت صلاحیت دولت هلند حسب مقررات ماده ۱۰۵ کنوانسیون عمل کرده است. این صلاحیت برای هر کشور عضو کنوانسیون در منطقه انحصاری اقتصادی نیز وجود دارد لیکن عمل فعالان زیست‌محیطی صلح سبز به دلیل عدم توجه به یک کشتی دیگر مشمول تعریف جرم دزدی دریایی در ماده ۱۰۱ کنوانسیون نیست. هدف اصلی از مخالفت فعالان زیست‌محیطی به دست گرفتن کنترل فعالیت‌های سکوی نفتی یا توقف کامل فعالیت دولت ساحلی در بهره‌برداری از منابع خویش نبوده است. فعالان زیست‌محیطی به دنبال این هدف بودند که دولت ساحلی در قوانین و مقررات خویش و به تبع آن در فعالیت‌های فراساحلی خویش بازنگری کند تا حدی که خطرات احتمالی ناشی از فعالیت‌های خود در منطقه انحصاری اقتصادی را به پایین‌ترین میزان ممکن تقلیل دهد. قضات دیوان با اتکا به استدلال‌های دولت هلند نتیجه می‌گیرند که موضوع حاضر ناشی از اختلاف نظر دولت‌های روسیه و هلند در به‌کارگیری مقررات کنوانسیون راجع به حقوق و تعهدات دولت صاحب‌پرچم و دولت ساحلی است. قضات بلافاصله دستور می‌دهند که دولت روسیه به رفع توقیف کشتی و آزادی کلیه افراد بازداشت‌شده در قبال تودیع وثیقه به مبلغ ۶،۳ میلیون یورو اقدام نماید تا کشتی و کلیه افراد مذکور خاک و مناطق دریایی تحت صلاحیت وی را ترک نمایند. بر همین منوال دیوان داوری نیز در پاسخ به احتمال نقض تعهدات دولت روسیه نسبت به دولت هلند اعلام می‌کند ورود به کشتی، دستگیری و بازداشت خدمه کشتی آرکتیک سانرایز توسط مقامات دولت ساحلی غیرقانونی بوده است (صالحی، ۱۳۹۶: ۲۵-۲۶).

در رابطه با اینکه آیا روسیه محق بوده که حقوق خود مربوط به منابع غیرزنده در منطقه انحصاری اقتصادی بدین شکل اعمال کند تا بتواند توقیف کشتی را توجیه کند یا خیر؟ دیوان مقرر داشت که کنوانسیون قاعده در رابطه با توقیف کشتی در این منطقه در مورد منابع زنده و غیرزنده ندارد و اشاره‌ای به حقوق حاکمه نداشت زیرا رفتار روسیه را مرتبط با حقوق حاکمه ندانست و مقرر داشت که هدف از حقوق حاکمه در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره انجام اقدامات لازم جهت مداخله در این حقوق است. این امر از آن جهت مهم است که قلمرو و محتوای حقوق حاکمه نسبت به منابع غیرزنده مشخص می‌شود و باید تعادل میان حقوق دولت ساحلی و حقوق سایر کشورها رعایت شود و دولت ساحلی نمی‌تواند به بهانه اجرای حقوق حاکمه خود در کشتی‌رانی بین‌المللی خلل ایجاد کند. دیوان مقرر داشت که اقدامات دولت ساحلی باید معقول، ضروری و متناسب باشد تا قانونی تلقی گردد. این قواعد در کنوانسیون پیش‌بینی نشده و دیوان با تفسیر به چنین نتیجه‌ای رسیده است. باید به حقوق کشورهای دیگر توجه شود و اجرای حقوق حاکمه در فلات قاره یا منطقه انحصاری اقتصادی نباید منجر به ایجاد خلل غیرقابل‌توجیه در حقوق سایرین گردد؛ بنابراین می‌توان گفت که حقوق حاکمه می‌تواند زمینه‌ای باشد که به دولت ساحلی اجازه دهد اقدامات اجرایی پیشگیرانه را در منطقه انحصاری اقتصادی در نظر گیرد که ممکن است با کشتی‌رانی بین‌المللی تداخل پیدا کند اما باید لازمه‌های معقول بودن، ضرورت و تناسب را در نظر بگیرد (Azaria, 2016: 16).

۵-۲- حقوق حاکمه و حفاظت از محیط‌زیست

یکی از حقوق جامعه جهانی و بشریت که باید در اعمال حقوق حاکمه توسط کشور ساحلی اعمال شود حفاظت از محیط‌زیست است. فعالیت‌هایی که در فلات قاره توسط کشور ساحلی و یا توسط دیگران با مجوز کشور ساحلی انجام

قاره درواقع هم وظیفه دولت ساحلی است و هم حق این کشور. این بدان معنا است که این کشور درعین حال که وظیفه دارد فعالیت‌های خود را در منطقه به‌گونه‌ای انجام دهد که موجب صدمه به محیط‌زیست نشود، این حق را نیز داراست که بر فعالیت‌ها در این منطقه نظارت و کنترل کافی داشته باشد تا اهداف توسعه پایدار محقق گردد.

۵-۳- پرداخت‌های مرتبط با بهره‌برداری از فلات قاره فراتر از ۲۰۰ مایل دریایی

ایده اولیه در مورد اینکه کشور ساحلی باید به‌واسطه بهره‌برداری از منابع غیرزنده در فلات قاره مبلغی را به جامعه بین‌المللی بپردازد، به مباحثی بازمی‌گردد که در کمیته بستر دریاهای سازمان ملل در ۱۹۷۱ و در زمان تلاش برای تعیین حدود این منطقه مطرح شد؛ اما بعد در کنفرانس مشخص شد که پرداخت در محدوده ۲۰۰ مایلی فلات قاره موردتوافق قرار نخواهد گرفت؛ بنابراین ماده بر اساس توافق کلی کشورهای شرکت‌کننده شکل گرفت و بر منطقه ماوراء ۲۰۰ مایل متمرکز شد (Tuerk, 2021: 253). بهره‌برداری کشور ساحلی از منطقه فلات قاره ماوراء ۲۰۰ مایل دریایی مستلزم پرداخت‌های از جانب کشور ساحلی است که از سال پنجم بهره‌برداری با پرداخت ۱ درصد از حجم یا ارزش تولید به مقام بین‌المللی دریاها آغاز می‌شود و سال دوازدهم به ۷ درصد می‌رسد و ثابت می‌ماند که البته کشورهای درحال توسعه که واردکننده منابع معدنی هستند از این پرداخت‌ها معاف هستند. آنچه در ابتدا به ذهن می‌رسد آن است که نتیجه چنین فرآیندی این خواهد بود که کشور ساحلی تمامی تلاش خود را می‌کند که حداکثر برداشت را در ۵ سال اول که معاف از پرداخت است انجام دهد. درهرحال این پرداخت‌ها به‌واسطه موقعیت خاص منطقه و منابع آن انجام می‌گیرد که بر اساس ماده ۱۳۶ به‌عنوان میراث مشترک بشریت تلقی می‌شود و باید میان این میراث و حقوق

می‌گیرد مستلزم حفاری و صدمه به بستر دریا و استفاده از تجهیزات در بستر و زیربستر دریا است که طبیعتاً بر ستون‌های آبی بالای آن و منبع زنده آن اثرگذار است بنابراین این فعالیت‌ها نمی‌تواند بدون توجه به آسیب‌های محیط زیستی آن‌ها انجام گیرد. آلودگی ناشی از حفاری‌ها و نشت مواد استخراجی می‌تواند اثر سو بر اکوسیستم دریا داشته باشد. این فعالیت‌ها ممکن است منجر به تغییرات در تنوع زیستی و یا انقراض گونه‌های خاص شود. طبق ماده ۱۹۲ کنوانسیون حقوق دریاها کشورها مکلف‌اند که از محیط‌زیست دریایی حفاظت کنند و بدین ترتیب اجرای حقوق حاکمه منوط به عمل به این تکلیف است. حتی در مورد ایجاد آلودگی در مناطق تحت صلاحیت ملی کشورهای عضو طبق مواد ۲۰۸ و ۲۱۴ باید قوانین داخلی را برای پیشگیری، کاهش و کنترل آلودگی دریایی که از فعالیت‌های بستر دریا ناشی می‌شود تصویب و اجرا کنند. نقض تکالیف کشورها دراین‌باره فقط شامل ایجاد صدمه نمی‌شود بلکه دربرگیرنده مواردی که تلاش کافی دراین‌باره صورت نگرفته نیز می‌شود. قوانین ایجادشده توسط کشورها نسبت به فعالان خصوصی مانند سرمایه‌گذاری که در منطقه انحصاری اقتصادی یا فلات قاره فعالیت دارند نیز می‌شود (Azaria, 2016: 17). کنوانسیون در مواد ۲۰۴ و ۲۰۶ تکلیف فرآیندی را نیز که مربوط به نظارت، انجام ارزیابی اثر محیط زیستی و گزارش می‌شود مشخص می‌کند که مرتبط با خطرات و اثرات آلودگی محیط‌زیست دریایی یا تغییرات مهم صدمه زنده به محیط‌زیست دریایی را شامل می‌شود. به‌علاوه بخش ۱۲ کنوانسیون محدودیتی را بر اساس معیار فرامرزی بودن اثرات محیط زیستی یا خارج یا داخل بودن در صلاحیت ملی منطقه مطرح نمی‌کند؛ بنابراین بهره‌برداری از منابع غیرزنده و استخراج آن‌ها به هر طریق منوط به حفاظت از محیط‌زیست دریایی است خواه این منابع در منطقه صلاحیت ملی باشند و خواه خارج از آن. نکته قابل‌ذکر آن است که حفاظت از محیط‌زیست در منطقه فلات

حاکمه کشور ساحلی توازن برقرار گردد تا منافع جامعه جهانی در کل در نظر گرفته شود. اگرچه کنوانسیون حقوق انحصاری کشور ساحلی نسبت به چنین اکتشافاتی را به رسمیت می‌شناسد و مقرر می‌دارد که کشور ساحلی باید سالیانه پرداخت‌های را انجام دهد و بخشی از حجم تولید یا معادل ارزش آن را به مقام بین‌المللی دریاها بپردازد. بعد از ۵ سال از بهره‌برداری این پرداخت‌ها یک درصد از ارزش یا حجم تولید خواهد بود که تا سال دوازدهم هرساله یک درصد اضافه می‌شود و در سال دوازدهم برای سال‌های بعد به مقدار هفت درصد ثابت می‌کند. البته کشورهای درحال توسعه‌ای که خود واردکننده منابع غیرزنده هستند از این پرداخت‌ها معاف هستند. مقام باید این پرداخت‌ها را میان کشورها به صورت عادلانه با در نظر گرفتن نیاز و خواسته‌های کشورهای درحال توسعه به خصوص کشورهای با کمترین میزان توسعه‌یافتگی و کشورهای محصور در خشکی تقسیم کند.

نتیجه‌گیری

فعالیت‌های مرتبط با منابع غیرزنده در منطق تحت صلاحیت ملی محرکی برای ایجاد حقوق دریاها بوده‌اند. اهمیت روزافزون این مناطق برای کشور ساحلی قابل‌درک است و طبیعتاً مسائلی جدیدی همچون منابع انرژی‌های تجدیدپذیر موجب طرح مسائل تازه و توسعه حقوق می‌شود. کنوانسیون بهره‌برداری از منابع دریایی را برای کشور ساحلی مشروط به برخی تکالیف می‌کند. طبق قواعد حقوق بین‌الملل دریاها که بخش عمده آن در کنوانسیون حقوق بین‌الملل ۱۹۸۲ منعکس شده است، کشورهای ساحلی در فلات قاره خود از حقوق حاکمه انحصاری برخوردار هستند. این حقوق حاکمه شامل اکتشاف، بهره‌برداری، حفاظت و مدیریت منابع غیرزنده و منابع زنده از دسته بی‌حرکت‌ها است. به دلیل اهمیت بسیار زیاد این منابع روش‌های تحدید حدود این منطقه به دقت در کنوانسیون آورده شده‌اند تا محدوده حقوق کشور ساحلی

مشخص باشد. قواعد موجود در کنوانسیون به‌وضوح تفاوت حاکمیت با حقوق حاکمه را نمایان می‌سازد. در بحث حاکمیت، یک کشور حق اعمال کنترل کامل بر یک منطقه را دارد و در حقوق بین‌الملل دریاها این حاکمیت بدین مفهوم است که کشور ساحلی قدرت حقوقی انحصاری بر آب‌های داخلی و دریای سرزمینی خود را دارد؛ اما حقوق حاکمه محدود به کنترل فعالیت‌های خاص در مناطق موردنظر است و بر اساس کنوانسیون حقوق دریاها این حقوق حاکمه مربوط به مناطق بعد از دریای سرزمینی می‌شود و عمدتاً مرتبط با کنترل انحصاری منابع طبیعی در فلات قاره و آب‌های منطقه انحصاری اقتصادی هستند. در حقیقت این حقوق به کشور ساحلی اجازه می‌دهد که در بستر و زیر بستر فلات قاره ۲۰۰ مایلی و منطقه انحصاری اقتصادی تعریف‌شده بالای آن که ستون‌های آب را دربرمی‌گیرد از حقوق حاکمه نسبت به منابع طبیعی برخوردار باشد و نسبت به بهره‌برداری از آن‌ها اقدام کند و در ضمن بر تحقیقات علمی در این منطقه نظارت داشته باشد و برای حفاظت از محیط‌زیست آن بکوشد. باین‌حال در فلات قاره فراتر از ۲۰۰ مایل این حقوق محدود به بستر و زیر بستر دریا است. وجود منطقه انحصاری اقتصادی و دریای آزاد که بسته به مورد در بالای این منطقه واقع شده‌اند موجب شده که حقوق و آزادی‌هایی برای کشورهای ثالث و جامعه جهانی وجود داشته باشد که بعضاً با حقوق حاکمه کشور ساحلی برخورد پیدا می‌کند. لذا کشور ساحلی موظف است حقوق مذکور را محترم شمرده و فعالیت‌های این کشور در منطقه نباید مخل آزادی سایر کشورها برای کشتی‌رانی و تعبیه کابل و لوله باشد، اگرچه می‌تواند شرایطی را برای لوله‌گذاری و کابل‌گذاری در قوانین خود معین کند. تکالیف دولت ساحلی در قبال حفاظت از محیط‌زیست نیز فعالیت‌های این کشور را محدود می‌کند. علاوه بر این در صورتی که کشور ساحلی فلات قاره فراتر از ۲۰۰ مایل دریایی داشته باشد باید پرداخت‌هایی را طبق

کنونسیون به مقام بین‌المللی دریاها داشته باشد. بدین ترتیب کنوانسیون تلاش می‌کند که میان حقوق کشور ساحلی و کشورهای ساحلی و جامعه جهانی در کل تعادلی منطقی را ایجاد کند تا فعالیت‌های کشور ساحلی در فلات قاره خود باعث اختلال در فعالیت‌های مجاز سایر کشورها و آنچه به‌عنوان میراث مشترک بشریت تلقی می‌شود نگردد. برقراری تعادل در این موارد را نمی‌توان با ارائه یک فرمول کلی حل کرد و باید مورد به مورد بررسی نمود؛ اما به‌هرحال از کشور ساحلی انتظار می‌رود که در جهت ایجاد توازن میان حقوق حاکمه خود و حقوق کشورهای ثالث و جامعه جهانی تلاش کند.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله امانت‌داری و ملاحظات اخلاقی رعایت شده است.

تعارض منافع: در این مقاله هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله مشترکاً نویسندگان صورت گرفته است.

تشکر و قدردانی: از کلیه کسانی که در تهیه این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تأمین کننده مالی بوده است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- تاناکا، یوشیفومی (۱۴۰۰). *حقوق بین‌الملل دریاها*. ترجمه آرمین طلعت، چاپ دوم، تهران: نشر دانش.
- شاو، ملک. ان (۱۳۹۸). *حقوق بین‌الملل دریاها با نگاهی به مسائل ایران*. ترجمه ابراهیم گل علیرضا و حسن خسروشاهی، چاپ دوم، تهران: انتشارت خرسندی.
- صالحی، جواد (۱۳۹۶). «اعمال صلاحیت در حقوق بین‌الملل دریاها در تقابل میان اصل آزادی دریانوردی و حق حفاظت از تأسیسات فراساحلی». *اقیانوس شناسی*، ۸(۴): ۲۱-۳۰.
- صالحی، جواد (۱۳۹۹). «لوله‌گذاری زیردریایی در تقابل با اعمال حقوق حاکمه دولت ساحلی در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره». *مطالعات حقوق انرژی*، ۶(۱): ۱۵۳-۱۷۱.
- صالحی، جواد (۱۳۹۹). «محدودیت اعمال صلاحیت کیفری دولت ساحلی در امور کشتی خارجی در پرتو رویه قضایی بین‌المللی». *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۵۰(۴): ۱۶۰۷-۱۶۲۲.
- صیرفی، ساسان (۱۳۹۴). «تعیین حد خارجی فلات قاره: بررسی ماده ۷۶ کنوانسیون حقوق دریاها». *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۴۵(۱): ۱۲۳-۱۴۸.
- مدنی، سید ضیا الدین (۱۳۹۲). «پیامدهای رژیم حقوقی تحقیقات علمی دریایی در کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد حقوق دریاها بر علوم دریایی». *اقیانوس شناسی*، ۴(۱): ۶۱-۷۲.

ب. منابع انگلیسی

- Azaria, D (2016). "The Scope and Content of Sovereign Rights in Relation to Non-Living Resources in the Continental Shelf and the Exclusive Economic Zone". *The Journal of Territorial and Maritime Studies*, 3(2): 1-18.
- Campos, M & Gian, P (2012). *The legal regime of the continental shelf and the establishment of the outer limits of the continental shelf beyond 200 miles*. , New York: The United Nations, Division for Ocean and Air and The Law of the Sea Office of Legal Affairs.
- Cook, P & Carleton Ch (2000). *Continental Shelf Limits: The Scientific and Legal Interface*. New York: Oxford Academic.
- Grignon, G (2013). *Extension of the Continental shelf beyond 200 nautical miles: an asset for France*. Economic Social and Environmental Council, available at <https://www.lecese.fr/en/publications/extension-continental-shelf-beyond-200-nautical-miles-asset-france-0>
- Kastisios, Ch & Tsoulos, L (2017). "Maritime zones delimitation – Problems and solutions". *International Cartographic Conference*, Washington DC.
- Madon, M (2017) "The Continental Shelf - five decades of progress (1966-2016)". *Bulletin of the Geological Society of Malaysia*, 63:1-158.
- Schoolmeester, T & Baker, E (2011). *Continental Shelf: The Last Maritime Zone*. Chicago: UNEP/GRID-Arendal.
- Treves, T (2015). "The Legal Nature of Coastal States' Rights in the Maritime Areas". *Unclos, International Symposium on The Law of The Sea the Rule of Law In The Seas of Asia Tokyo*,

Ministry of Foreign Affairs, available at
<https://www.mofa.go.jp/files/000074504.pdf>

- Turek, H (2021). “Questions Relating to the Continental Shelf Beyond 200 Nautical Miles: Delimitation, Delineation, and Revenue Sharing”. *INT’L L. STUD*, 97: 232.